

■ **احمد رضا صدری**

در روزهایی که بر ما گذشت، یارهای از وابستگان به جریان موسوم به «انحرافی» یا بر پرده آوردن برخی نمایش‌های رسانه‌ای، سعی در خندشدار کردن هویت دینی و تاریخی جمعیت فدائیان اسلام کردند. هر چند این موج کم رفق مجال توفیق دهد، اما از سوی دیگر نیز باید هر فرصتی را برای آشنا کردن نسل جوان با عقبه تاریخی انقلاب و نظام اسلامی مغتنم شمرد. از این روی مقالی که در پی می‌آید، در نمایاندن مبانی شرعی و ملی اعدام‌های انقلابی جمعیت فدائیان اسلام به شما تقدیم می‌شود. امید آنکه مقبول افتد. ■ ■ ■

■ **چالش مشروعیت مولد اعدام‌های انقلابی**

معمولاً هنگامی یک جامعه به گرایشات قهرآمیز در برابر حاکمان روی می‌آورد که حاکمیت از بحران مشروعیت رنج برد. در کنار بحث‌های مربوط به بحران مشروعیت رژیم پهلوی به ویژه در دوران پس از شهریور ۲۰، بحث رادیکالیزه شدن یا تندتر شدن نگرش‌های ایدئولوژیکی و دینی گروه‌های مذهبی - سیاسی نیز مطرح می‌شود. با این وصف که رادیکالیزه شدن گروه‌های مذهبی خود به دلیل بحران مشروعیت رژیم بوده و اصولاً بر این مبنای قابل تحلیل است، البته این پدیده به عنوان عامل مستقلی نیز قابل بررسی است. این ارزیابی از دو جهت قابل حصول است: نخست اینکه این گروه‌ها همواره مدعی شده‌اند مشی سیاسی و مذهبی آنها در پیش گرفتن چنین رفتاری فارغ از بازی‌های سیاسی بوده و صرفاً بر حساب تکالیف و وظایف مذهبی است. این‌رو نمی‌توان چنین اقدامات خشونت‌باری را صرفاً به بسته شدن درجه خاصی از فضای سیاسی نسبت داد. به عبارت دیگر این گروه‌ها مدعی آن نیستند که اقداماتشان واکنشی به بسته شدن فضای سیاسی بوده است. از دیدگاه این گروه‌ها رفتار سیاسی مقامات حکومت در حالتی مشابه به رفتار نخست‌وزیران مقتول مستوجب چنین مجازات‌هایی است و این امر فارغ از باز و بسته بودن فضای فعالیت سیاسی مخالفان حکومت است. وجه دوم این ارزیابی از مقایسه رفتار این گروه‌ها با دیگر گروه‌های فعال در عرصه سیاست آن روز کشور به دست می‌آید، در حالی که دیگر گروه‌های فعال سیاسی چنین روش برخوردی را در پیش نمی‌گرفتند و توصیه نمی‌کردند، گروه‌های مذهبی در این شرایط خاص چنین اقداماتی را آشکارا هدفی عالی برای خود برمی‌شمردند. رادیکالیزه شدن این گروه‌ها که در واقع مصداقِ آنها فدائیان اسلام و هیئت‌های مؤتلفه اسلامی است، نیازمند بحثی جامع در باره چارچوب فکری و نگرش سیاسی آنها راجع به اعدام نخست‌وزیران است. از این‌رو ابتدا گفتاری درباره تعریف ترور و پیشینه آن ارائه و سپس به رویکرد جامعه‌شناختی ترور، مبانی فقهی آن و در نهایت حیات سیاسی و فکری فدائیان اسلام و استمرار مبارزه آنها توسط هیئت‌های مؤتلفه اسلامی پرداخته می‌شود.

■ **تعریف ترور و پیشینه آن**

ترور را «بیجا و وحشت سازمان یافته برای اعمال قدرت» تعریف کرده‌اند و معمولاً در دو سطح مطرح است: ترور با بالا و ترور از پایین. در سطح اول دولت برای سرکوب رژیم به ترور اقدام می‌کند. ترور از پایین به معنی ترور و کشتن یک شخصیت یا گروهی است که به آن پرداخته می‌شود. البته در مورد سابقه ترور تا حدودی اختلاف نظر وجود دارد. بسیاری آن را به انقلاب فرانسه و «دوره ترور» در آن زمان ارجاع می‌دند و برخی نیز آن را به «حشاشین» یا کسانیکه از سوی حسن صباح (رئیس فرقه اسماعیلیه) در قرن پنجم هجری قمری برای قتل مقامات حکومتی، مذهبی و... گسیل می‌شدند، منتسب می‌دانند. با این حال به نظر می‌رسد ترور راه‌طای ناگسستنی با قدرت سیاسی دارد. در واقع می‌توان تصور کرد از زمانی که قدرت و رقابت بر سر کسب آن وجود داشته است، ترور به منزله ابزار برای تعدیل قدرت حاکم یا کسب آن استفاده می‌شد. البته در کنار این نگرش از تاریخ کهن ترسور نگرش و دیدگاه مدرن نیز مطرح است که هم‌زمان انقلاب فرانسه است. در انقلاب فرانسه دوره‌ای به نام «دوره ترور» وجود دارد که از سپتامبر سال ۱۷۹۳م تا اعدام روبوسیپر در ژوئیه سال ۱۷۹۴م، به طول انجامید و دولت انقلابی را بر آن داشت تا برای مقابله با ضد انقلاب که در سطح وسیعی علیه دولت فعالیت داشت، به استفاده گسترده از ابزارهای خشونت بپردازد.

در ایران پیشینه ترور به هر دوره حکومتی قابل اطلاق است. در واقع ترور از پایین به عنوان آخرین فرصت اعتراض برای مخالفان همیشه وجود داشته، اما در دوران معاصر تاریخ سیاسی کشورمان شاهد ترور‌های موفقیت‌آمیزی علیه ارباب جور و استبداد بوده است. در دوره قاجار مهم‌ترین ترور ترور ناصرالدین شاه، اتابک اعظم و امین‌السلطان بود و در دوره پهلوی قتل کسروی، هژیر، رزم‌آرا و منصور از مهم‌ترین ترور‌ها بوده‌اند.

■ **رویکرد جامعه‌شناختی به ترور**

بحث جامعه‌شناختی ترور در چارچوب نظریه کارکردگرای روانشناسی اجتماعی مطرح است. بر پایه نظریات دانشمندان این حوزه سرکوب یا ناکام گذاشتن خواسته‌ها و نیازهای ضروری انسان، منبع پیدایش خشونت و پر خاشگری است. این مسئله در عرصه سیاسی موجب پیدایش رفتار خشونت‌آمیز و انقلابی می‌شود. در این مورد یکی از جالب‌ترین نظرها را «تد رابرت گر» مطرح کرده است. نظریه‌وی در باره محرومیت نسبی است. او محرومیت نسبی را ناشی از برداشت بازیگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی از یک طرف و امکانات ارزشی از طرف دیگر می‌داند. منظور از ارزش، مسائلی است که برای بازیگران اعم از فرد، گروه و... مهم است و اهمیت دارد. به نظر رابرت گر در این حالت امکانات ارزشی گروهی که دچار محرومیت نسبی شده‌اند کاهش یافته یا موقعی که امکان افزایش داشته افزایش نیافته است. از این‌رو انتظارات ارزشی افزایش می‌یابد و همین امر منجر به ایجاد پتانسیل خشونت



شهید سید مجتبی نواب صفوی

شهید سید مجتبی نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام بر این عقیده است که «هیئت حاکمه محارب با اسلام و عامل خارجی هستند و چون سر نیزه و قدرت دارند، محارب با قرآنند و عمل دفاع بر هر مسلمانی واجب است»... از مجموعه فتاوا و استدلالات فقه‌ها نیز چنین می‌توان نتیجه گرفت که اعدام انقلابی به عنوان آخرین راه‌حل اصلاح سیاسی مورد توجه دین و علمای دینی بوده است

نظریه پردازان آن ایجاد تمایز در هدف اعدام انقلابی با ترور

به معنای متعارف آن در حوزه سیاست عرفی است. وی که بنیانگذار دیدگاه علمای دین اعدام انقلابی نوعی تکلیف دینی در شرایط خاص است که هدف از آن دفع مفاسد و مظالم، اصلاح امور جامعه و بالاخره قوام و دوام دین است. این بازیگران اجتماعی انتظارانی از یکدیگر دارند که باید در یک فرایند کنش متقابل از سوی طرف دیگر درک و رضا شود. عدم درک یا ارضای این انتظارات همواره منبع تنش‌ها و کشمکش‌های اجتماعی است. تفاوت دیدگاه پارسونز و رابرت گر به‌طور عمده این است، تفاوت از نظر گر، گروه‌ها یا افراد فارغ از چارچوب‌ها و الزامات اجتماعی می‌توانند برای خود منافع سیاسی تصور کنند. به عبارت دیگر دیدگاه گر برای آن دسته از خشونت‌های سیاسی که فارغ از رقابت‌های سیاسی متعارف صورت می‌گیرند نیز قابل کاربرد است، در حالی که پارسونز در چارچوب یک بحث اجتماعی و در قالب مناسبات اجتماعی متعارف جامعه به خشونت سیاسی می‌نگرد و به آن خارج از این مناسبات توجه می‌کند. در واقع می‌توان اینگونه تصور کرد که از نظر پارسونز خشونت سیاسی حاصل و نتیجه مناسبات اجتماعی است. بحث اساسی ترور در چارچوب حوزه جامعه‌شناسی سیاسی یا سیاسی جامعه این است که ترور اساساً در جوامعی صورت می‌گیرد که به‌طور عمده به لحاظ سیاسی توسعه نیافته و سطوح عالی مشارکت سیاسی در آنها ناهدینه نشده است. در این جوامع قدرت فرایندی دست نیافتنی است و اصحاب قدرت منتخب نیستند. سیاست امری شخصی و موروثی تلقی می‌شود که در اختیار خانواده حاکم است و روابط سلطه امری مسالمت‌آمیز محسوب نمی‌شود و در این حالت سازمان‌ها و گروه‌های مجری ترور نه در پی کسب قدرت، بلکه در وهله اول درصدد تعدیل قدرت حاکم و تحریک مبارزه جمعی هستند. به عبارت دقیق‌تر اختناق سیاسی پدیدهای است که محرک اصلی ترور محسوب می‌شود. در ایران عصر پهلوی به دلیل سنت دیرپای سرکوب، استبداد و اختناق شدید سیاسی همواره امکان مخالفت قانونی یا دگردیستی ناهم‌مند وجود نداشت و سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی و سیاسی مخالف فرصت عرض اندام

یا سازمان دادن به مخالفت را پیدا نمی‌کردند و در نتیجه این اختناق و استبداد شدید، گروه‌های مذهبی جامعه بر اساس آموزه‌های دینی اراده مشارکت آن هم به صورت خشونت سیاسی را پیدا می‌کردند. ■ **مبانی فقهی اعدام انقلابی** در مباحث مذهبی و اسلامی از ترور به عنوان «اعدام انقلابی» یاد شده است. هدف از طرح این تمایز از سوی حمید عنایت در ادامه بحث خود در باره اندیشه‌های سیاسی در اسلام به بحث اعدام انقلابی از سوی فدائیان اسلام پرداخته و بر این عقیده است که فدائیان برداشت فقهی خاصی راجع به این مقوله داشتند: «اینان در اشاره به مجرمان کرا از اصطلاح فساد فی الارض استفاده می‌کنند و شاید دلیلش این باشد که به آسانی قابل انطباق با هر جرمی است که علیه منافع عمومی جامعه انجام گیرد. این روش باعث می‌شود انواع و اقسام اعمال ناشایست از لواط گرفته تا حیف و میل بیت‌المال و خیانت را شامل شود که مجازات آنها هم مرگ است.» این سازمان دادن به مخالفت را پیدا نمی‌کردند و در نتیجه این اختناق و استبداد شدید، گروه‌های مذهبی جامعه بر اساس آموزه‌های دینی اراده مشارکت آن هم به صورت خشونت سیاسی را پیدا می‌کردند.

در مباحث مذهبی و اسلامی از ترور به عنوان «اعدام انقلابی» یاد شده است. هدف از طرح این تمایز از سوی

علامه شیخ عبدالحسین امینی:

«اینها (سران رژیم گذشته) محارب

هستند. اینها احکام اسلام را مهجور

نگه داشته و پای خارجی را به این کشور باز کرده‌اند. اینها همان کاری را می‌کنند که استعمار خارجی می‌خواهد.

اینها همان عملی را می‌کنند که سرباز خارجی می‌خواهد به وسیله سر نیزه انجام بدهد، اما به عنوان نخست‌وزیر قانونی و به همین علت محارب هستند»

به بهانه انتشار دهمین مجلد از «اسناد نهضت اسلامی ایران»

پیوند مرجعیت با انقلاب

■ **محمدرضا کائینی**



جمع‌آوری، تنظیم و انتشار مجموعه‌ای بزرگ و نفیس از ۱۰ سند نهضت اسلامی ایران در زمرة دغدغه‌های محقق فرزانه

آیت‌الله سیدهادی خسروشاهی در دهه اخیر به شمار می‌رود. حاصل آن نیز انتشار ۱۰ مجلد از این برگ‌های تاریخ‌ساز

به همت مرکز اسناد انقلاب اسلامی است، شاید مهم‌ترین وصف در باب این مجموعه گرانسنگ بر خاشه تدوینگر ارجمند در دیپاچه این اثر جاری شده باشد که بخش‌هایی از آن به شرح ذیل است:

«دهمین جلد از مجموعه اسناد نهضت اسلامی ایران شامل اعلامیه‌ها، نامه‌ها، تلگرام‌ها، بیانیه‌ها و بعضی از مصاحبه‌های مراجع ثلاث قم آیات عظام: سیدمحمدرضا گلپایگانی، سیدشهاب‌الدین مرعشی‌نجفی و سیدکاظم شریعتمداری در دوران حوادث پرشتاب نهضت از آغاز تا پیروزی است.

هدف از جمع‌آوری و نشر اسناد جلد دهم مجموعه، مانند مجلدات نگانه پیشین، ثبت و ضبط اسناد اشخاصی است که هر کدام در زمان خود به نحوی در تبیین اهداف و پیشبرد نهضت نقش داشتند.

متأسفانه در زمان‌های پیشین و نه چندان دور، اسناد حرکت‌ها و نهضت‌های عدالتخواهانه و ضداستعماری در ایران و عراق، به ویژه بخش مربوط به نقش مراجع و علمای بزرگوار که پایه‌گذاران و خالقان این نهضت‌ها بودند، به علت عدم توجه معاصران

و سهل‌انگاری مسئولان، جمع‌آوری و

و ملی بود، می‌تواند برای یک تاریخ‌نگاری منصفانه و منطبق با واقعیات به دور از تعصب، عناد، ناآگاهی و عدم اطلاع بسترساز و راهگشا باشد و کسانی را هم که بخواهند تاریخ نهضت اسلامی - سپس انقلاب - را انطور که خود یا طبق سفارش می‌خواهند بنویسند، از این تاریخ‌سازی و تحریف کاری باز دارد. در واقع و به عبارت دیگر، همانطور که در مقدمه بعضی دیگر از مجلدات این مجموعه اشاره کردام، هدف اینجانب از جمع‌آوری و نگهداری این اسناد - با تلاشی نیم قرن - زمینه‌سازی منطقی برای نگارش یک تاریخ مستند درباره حوادث نیم قرن اخیر به ویژه نهضت اسلامی ایران است... اما بیانه‌ها، اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های مراجع بزرگان علما پس از پیروزی انقلاب اسلامی چون در اغلب مطبوعات و رسانه‌های کشور بخش و منتشر شده است، در این مجموعه نخواهد آمد و علاقه‌مندان به این بخش از اسناد تاریخ معاصر می‌توانند به منابع و مآخذ موجود در مراکز اسناد انقلاب مراجعه نمایند.»

استاد خسروشاهی در ادامه این مقدمه، در باب چند و چون جمع‌آوری و انتشار این مجموعه ارجمند و مجلدات آتی و احتمالی آن نیز سخنی دارد. وی با اشاره به رویکرد تاریخی و غیرسیاسی جمع‌آوری و انتشار این اسناد، به نکاتی چند تذکار می‌دهد:

«یادآوری این نکته بی‌مناسبت نیست که آماده‌سازی جلد دهم مدتی طول کشید

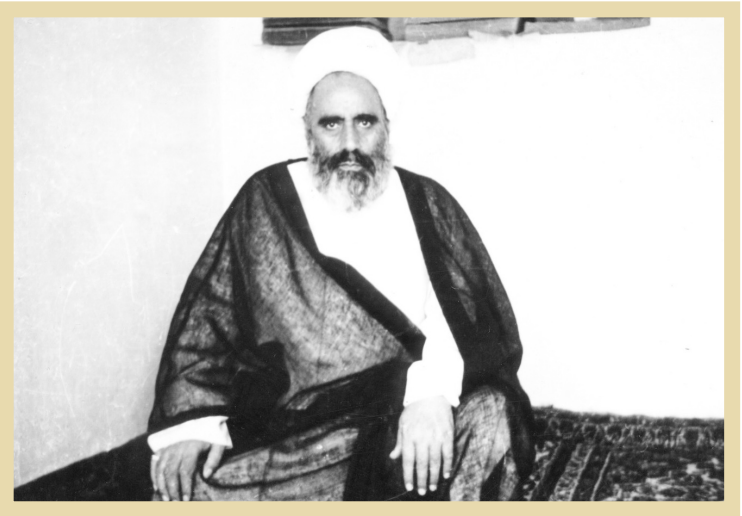
و در نتیجه چاپ و نشر کامل مجموعه ۱۰ جلدی اسناد به تأخیر افتاد که به یاری حق هم‌اکنون این تأخیر جبران شد و مجموعه ۱۰ جلدی اسناد تاریخی نهضت اسلامی ایران در اختیار عموم قرار می‌گیرد. اشاره به این نکته هم ضروری است که تا

مجموعه، دو جلد دیگر - تکمیلی - خواهد



۱۳۵۸ ق.م. امام خمینی در یک جلسه مشورتی با مراجع تقلید وقت

داشت که شامل اعلامیه‌ها، تلگرام‌ها و نامه‌های مراجع عظام نجف اشرف، مشهد مقدس و علمای بزرگوار دیگر بلاد است که ان‌شاءالله به زودی پس از آماده‌سازی به عنوان جلد ۱۱ و ۱۲ منتشر خواهد شد. بی‌تردید اقدام فردی در تهیه این مجموعه و چاپ و نشر و به ثمر راندن نتیجه کوشش مذهبی به پیروزی رسید، باز به علت عدم توجه دست‌اندرکاران یا حتی مورخان معاصر، علاوه بر اینکه اسناد اصلی نهضت به تدریج مفقود شد، بلکه متأسفانه آنچه هم باقی مانده بود توسط بعضی از وقایع نگاران معارض و به عبارت دیگر سوداگران با تاریخ، روشن حزبی و جناحی، در اختیار نسل جوان ما قرار گرفت که همگان با اواقیت‌ها و حقیقت‌ها نیست. در همین راستا مثلاً می‌بینیم که حدود ۲۰۰ جلد کتاب درباره نهضت ملی شدن صنعت نفت و رهبری سیاسی آن در ایران و خارج از کشور به زبان فارسی منتشر شده است، در حالی که درباره رهبری معنوی - مذهبی نهضت که در واقع رهبری سیاسی نهضت بدون آن توان هیچ اقدامی را نداشت، تعداد آثار چاپ شده از تعداد انگشتان دو دست فراتر رفته است! بدین ترتیب و بسا عبرت‌گیری از تاریخ، هدف ما از آغاز این‌بو که اصل اسناد نهضت اسلامی ایران محفوظ بماند تا میراث‌خوانان حرفه‌ای ثمرات انقلاب‌ها این بار نتوانند خود را صاحب انقلاب و عامل اصلی پیروزی آن قلمداد کنند و این امر متأسفانه با توجه به کتاب‌های بیشمار که در داخل و خارج منتشر شده و می‌شود هم اکنون در حال اجراس... که اهالی تاریخ و سیاست لاید با کم و کیف آن آشنایی دارند و از محتوای آن کتاب‌ها هم آگاه هستند. پس در واقع ثبت و ضبط اسناد نهضت اسلامی علاوه بر اینکه یک وظیفه دینی



علامه شیخ عبدالحسین امینی نجفی